

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
و داکتر صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۱۲ سپتمبر ۲۰۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

۳

دین اسلام ریختن خون ناحق را منع نموده و در حدیث متبرکه آمده است:
« اول ما یقضى بین الناس يوم القيامة فی الدماء » (اولین چیزی که بین مردم در روز قیامت به فیصله می رسد خون ناحق است) (بخاری: ۶۵۳۳ مسلم ۱۶۷۸)
امام نووی در شرح حدیث متبرکه می فرماید:
(در این حدیث راجع به حفظ جان تأکید بیشتر صورت گرفته است که در روز قیامت اولین فیصله را جع به همین موضوع می باشد)
همچنان محمد صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگری می فرماید : « لا یزال المؤمن معنقا صالحا ما لم یصب دما حراما » (مسلمان پابند به دین و نیکو کار باقی می ماند مادامی که خون ناحق را نریزد) (ابو داوود : ۴۲۷)
همه این هدایات اسلامی مارا بدین امر معتقد می سازد که : جان و نفس انسان در دین مقدس اسلام از اهمیت بسزائی برخوردار بوده و اسلام حرمت گذاشتن به آن را تأکید آکید نموده است و انسانها را از خطر آن با خبر ساخته است .

امام ابن حجر عسقلانی (رح) در تفسیر حدیث متذکره می فرماید :
« در حدیث متذکره از بزرگی امر ریختن خون ناحق ، بحث صورت گرفته است . اولین چیزی را که انسان از این امر پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم استنباط می نماید :
اهمیت موضوع ، بزرگی گناه و گسترش فساد ناشی از این عمل منفور است ، که به ریختن خون ناحق مصالح علیای جامعه بر هم خورده و اساس زندگی انسانها مورد سؤال قرار می گیرد) (فتح الباری : ۱۱ – ۴۸۲)

دین مقدس اسلام قتل انسان بیگناه را به صورت مطلق منع فرموده و پیامبر عالم بشریت محمد صلی الله علیه وسلم در حج الوداع یا آخرین حج این فیصله بزرگ آسمانی را که نباید انسانهای بیگناه به ناحق به قتل رسانده شود، با صراحت و وضاحت تام بیان داشت و فرمود :

« فان دماءکم و اموالکم و اعراضکم حرام علیکم کحرمة یومکم هذا فی شهر کم هذا فی بلد کم هذا » (ریختن خون ، خوردن مال و ریختن آبروی شما حرام است ، مانند حرمت امروز (روز عرفه) و مانند حرمت این ماه (ذوالحجة الحرام) و مانند حرمت این شهر (مکه مکرمه) .

دین مقدس اسلام هیچ استثنائی را در ریختن خون دیگران به جز زناکار « محصن » قاتل ثابت شده به صورت مشخص و معین دقیق و یا شخصی که دینش را ترک نماید (مرتد) و آن هم به صورت بسیار دقیق با شرایط اجرائی اثباتیه بس دقیق و کاملاً روشن، نمی پذیرد. شریعت اسلام برای حفظ و نگه داشتن حیات انسان و جلوگیری از اشتباه ممکن که در مواردی غیر قابل تصحیح است در همه موارد جزای حدودی هم در صورت به وجود آمدن شبهه در اثبات این اتهامات از تطبیق حکم حدودی بر حذر می دارد و تطبیق جزای حدودی را ساقط می داند. حتی در صورت توازن دلایل بین ارتکاب و عدم ارتکاب نیز از تطبیق احکام مذکور بر حذر می دارد. چون پیامبر اسلام فرموده است « لا یحل دم امرئ مسلم یشهد ان لا اله الا الله و انی رسول الله الا با حدی ثلاث : الثیب الزانی والنفس با نفس والتارک لدینه المفارق للجماعة » (بخاری ۶۸۷۸ مسلم ۱۶۷۶) « ریختن خون هر انسانی که به وحدانیت خداوند (ج) و رسالت برحق محمد صلی الله علیه وسلم شهادت دهد حرام است . به جز مرد زن دار وزن شوهر داری که زنا کند . و مردی که کسی را به قتل برساند ، هکذا شخصی که دین خود را ترک نمود و مرتد شده از جماعت مسلمانان بیرون شود .»

باز هم تأکید می داریم که طریق اثبات اتهام حدودی از جمله درمسأله زنا ی زن و یا مرد متأهل آنقدر دقیق و پیچیده است که عملاً در مواردی اثبات آنرا کاملاً مشکل و یا حتی ناممکن می توان گفت. حالت اقرار برای تذکیر که اقرار خود متخلف است مسأله و بحث طویل و عریض خواهد بود که در این صورت هم مستنطق مکلف به پیگیری انگیزه و علت ارتکاب جرم و اثبات موضوع با دیگر قرائن و شواهد اثباتیه می باشد.

به این ترتیب جزای حدودی بیشتر وظیفه ایجاد ترس جهت جلوگیری از ارتکاب عمل خلاف، تربیه و تنظیم امور تحت نظر قانونی که خود متخلف را از ارتکاب تخلف باز می دارد، موجود می باشد.

علمای اسلام با استنباط از آیات قرآنی و احادیث نبوی قتل و اعمال انتحاری و خودکشی را وحتا بر داشتن سلاح علیه مسلمانان را حرام اعلام داشته و آن را خلاف احکام صریح اسلام می دانند :

پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در این رابطه می فرماید : « من حمل علینا السلاح فلیس منا » (بخاری ۷۰۷۱ مسلم : ۱۶۳) اگر شخصی مسلمانی را با اسلحه هدف قرار دهد و یا تهدید کند ، و یا توسط سلاح خود کسی را با قتل رسانید و یا سبب اذیت و آزار مسلمانان شد، موصوف گنهگار پنداشته می شود .

ابن ملقن می فرماید : « حدیث فوق بر حرمت قتل مسلمانان دلالت نموده و این امر را نهایت بد و زشت معرفی داشته است . محض سلاح به دست داشتن که بر مصالح شرعی نبوده باشد ، محکوم بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از آن نهی فرموده است ، حتی در دست داشتن شمشیر بدون غلاف را منع نموده و فرموده است که بدون ضرورت ، شمشیر خود را از غلاف آن بیرون نکنید ، و به سنگریزه و سایر آلات جارحه برادر مسلمان خود را نشانه نگیرید.

همه اینها به احترام متقابل مسلمانان ، دلالت می نماید واز کار برد اشیا و وسایلی که سبب جریحه دار شدن مسلمانان گردد ، منع فرموده است تا کرامت آنها حفظ گردد. (اعلام لابن ملقن : ۱۰ - ۳۷۸)

وفا بر عهد و پیمان:

مسلمان نباید خلاف عهد و پیمان خویش عمل نماید :

زمانی که یک مسلمان با اخذ ویزه وارد یک کشور دیگر جهان اسلامی و یا یک کشور غیر اسلامی مثلا اروپائی می گردد و یا هم بنابر عواملی به حیث پناهنده در کشوری ثبت نام می کند در حقیقت عهد و پیمانی است که با آن کشور می بندد ، و تعهد می سپارد تا تمام قوانین آن کشور را مراعات و مطابق آن رفتار نماید .
بناءً قتل باشندگان و ایجاد دهشت و نا امنی در این کشور ها مطابق هدایات اسلامی به صورت مطلق حرام ، ممنوع و مخالف شرع اسلامی می باشد.

چنانچه خداوند پاک می فرماید :

« قُلْ تَعَالُوا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّ اَلَا تَشْرِكُوْا بِهِ شَيْئًا وَاِلٰى دِيْنِ اِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَكُمْ مِنْ اِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوْا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ اَلَا بِالْحَقِّ ذَالِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ »

(بگو ای پیامبر : ببینید تا آنچه را که پروردگار تان بر شما حرام کرده است برای شما بیان کنم ؛ در قدم اول هیچ شریکی به خدا نیاورید و به پدر و مادر تان احسان کنید . و اولاد تان را از بیم فقر نکشید ، ما شما و آنها را روزی می دهیم و به کار های بد و زشت چه آشکار و چه پنهان نزدیک نشوید . و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید . اینها که خداوند شما را بدان سفارش نموده است ، تا تعقل کنید) (انعام : ۱۵۱)
پروردگار ما از مخالفت به عهد در چندین آیت متبرکه منع فرموده و به پیروان خویش اکیداً امر نموده است تا به عهد و پیمان خویش وفا نمایند :

« وَاَوْفُوا بِالْعَهْدِ ، اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُوْلًا » (و به عهد خود وفا کنید که از عهد و پیمان سؤال خواهد شد) (سوره بنی اسرائیل آیت : ۳۴)

قرآن عظیم الشان در جای دیگری می فرماید :

« وَاَوْفُوا بِالْعَهْدِ اِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْاِيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا ، وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللّٰهَ عَلَيْكُمْ كَفِيْلًا ، اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ » (سوره نحل : آیه ۹۱)

« به پیمان خدا (که با همدیگر می بندید) وفا کنید هر گاه که بستید ، و سوگند ها را پس از تأکید (آنها با قسم به نام و ذات خدا) نشکنید ، در حالی که خدای را آگاه و گواه (بر معامله و وفای به عهد) خود گرفته اید . بی گمان خدا می داند آنچه را که می کنید . « و بعهده الله او فوا ذالکم وصکم به لعلکم تذکرون » (سوره الانعام آیت : ۱۵۲)
(« و به پیمانی که با خدا بسته اید وفا کنید .

اینست همان سفارشی که خدا به شما نموده است تا باشد که متذکر و هوشمند شوید .

قتل و کشتن زنان و اطفال:

دین مقدس اسلام کشتن زنان و اطفال را حتی در میدان جنگ هم نیز حرام قرار داده است .

در صحیحین از عبد الله بن عمر (رض) روایت است که: «در یکی از غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم زنی کشته شده را یافتند ، پیامبر صلی الله علیه وسلم کشتن زنان و اطفال را منع قرار داد». (بخاری ۳۰۱۴ مسلم ۱۷۴۴)

امام نووی در شرح مسلم می نویسد :

«تمام علماء بر عمل کردن به مقتضای این حدیث ، اتفاق نظر دارند و کشتن زنان و کودکان را حرام می دانند ؛ مادامی که ایشان در میدان نبرد مستقیماً وارد جنگ نشده باشند، اگر در میدان جنگ ، مسلح دیده شوند ، به قتل آنها اتفاق نظر نیز وجود دارد». (شرح مسلم نووی جلد ۶ صفحه ۳۳۴).

دین مقدس اسلام حملات ناگهانی و انتحاری را حتی بالای اطفال و زنان غیر مسلمان ممنوع قرار داده است و به هیچ صورت آن را جایز ندانسته و نمی داند .

امام مالک و اوزاعی میگویند :

«کشتن زنان و کودکان به هیچ صورت جواز نداشته ولو که دشمنان اسلام ایشان را سپر خود هم قرار داده باشند» .

همچنان امام شافعی قتل زنان را جایز نمی داند ، مگر در صورتی که در میدان جنگ به امور جنگی مشغول باشند . ابن حبیب مالکی نیز بر عدم جواز قتل زنان مگر در حالت مبادرت به جنگ ، آنها را در میدان نبرد نظر دارد . (فتح الباری ۶ / ۱۷۸ - ۱۷۹)

امام ابن حجر عسقلانی اتفاق علماء را بر منع کشتن زنان و کودکان نقل نموده می فرماید : «زنان همانند کودکان بنابر این که ضعف جسمانی و فزیزی دارند ، کمتر تصور می رود که به جنگ مبادرت ورزند»
ابن قیم جوزی (رح) می فرماید : در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است که می فرمایند :
«المسلمون تتكافوا دما نهم ویسعی بذمتهم أدناهم»

احراق و مثله:

پیامبر صلی الله علیه وسلم سوختاندن حیوانات ، حریق درختان میوه دار را اجازه نفرموده اند. بلکه در مقابل هدایات خاصی و احکام صلۀ رحمی و عطوفت را در برخورد با طبیعت صادر نموده است .

در حدیث متبرکه با صراحت خاصی حتی حریق حیوانات ممنوع اعلام گردیده است : «نَهَى (رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ يَحْرَقَ شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ بِالنَّارِ»

در تعدادی کثیری از روایات اسلامی ، پیامبر صلی الله علیه وسلم به آتش کشیدن موجود جاندار را به صراحت تام نهی کرد.

در تعداد زیادی از احادیث نبوی آمده است که : عذاب کردن به آتش کشیدن، مخصوص خداوند است و کسی جز پروردگار حق این را ندارد.

مُثْلَه:

موضوع مُثْلَه یکی از موضوعات قابل بحث در دین مقدس اسلام به شمار می رود . دین مقدس اسلام قاعده کلی ، احترام به مقام انسان و کرامت انسانی را در هیچ حالتی ، خواه در صلح باشد یا جنگ خواه در اقتدار باشد یا

اپوزیسیون فراموش نمی نماید . دین اسلام خلاف عادت موجود در بین اعراب جاهل ، حکم بر ممنوعیت مثله کردن ، شکنجه و هر شکل دیگری از رفتار تحقیر آمیز در مقابل مقام انسان را صادر فرموده است .

مُثْلَه یعنی بریدن گوش ، بینی ، زبان ، دست و پا قطع کردن انگشتان و امثال آن ؛ این امر ، هم درمورد اسیر و هم درمورد کشته شدگان جنگ جایز نیست و ممنوع اعلام گردیده است .

در حدیث متبرکه که روای آن حضرت علی کرم الله وجهه می باشد گفته است که محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است : « إِيَّاكُمْ وَ الْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَأْبِ الْعُقُورِ » **از مُثْلَه کردن بپرهیزید، هر چند در مورد سگ آزار رساننده هم باشد.**

همچنان زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیروهای خویش را به جبهات جنگ اعزام می داشت اکیداً هدایات می فرمود **مثله نکنید:**

علماء و مفسران بدین باور و عقیده اند : در حکم منع و حرام بودن مُثْلَه فرقی نیست بین این که در جنگ باشد یا غیر آن ، قبل از مرگ باشد یا بعد از آن و بین این که دشمنان مسلمانها را مُثْلَه کنند یا نکنند، اگر چه اطلاق آیت شریفه « وَ الْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ » جواز مقابله به مثل را می رساند، لیکن اطلاق روایات و فتاوا مقتضی عدم جواز است .

در روایات اسلامی آمده است که : در جنگ خندق بعد از این که عمرو بن عبود به دست مسلمانان به قتل می رسد . یکی دیگر از سرداران و قومندانان مشهور مشرکین به نام نوفل بن عبدالله زخمی و توسط مسلمانان هم به قتل می رسد ابوسفیان از ترس این که مبادا پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم جسد او را به خاطر تلافی جسد حضرت حمزه که توسط غلام حبشی ابوسفیان در جنگ احد، مُثْلَه شده بود ، مُثْلَه نگردد مبلغ ده هزار پول مروج آن زمان (دینار یا درهم) برای پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستاد تا جسد قومندانش توسط مسلمان مُثْلَه نگردد ، و جسد او را سالم برای مشرکان تسلیم نمایند . اما پیامبر بزرگوار اسلام، ناجی بشریت ، هم مبلغ متذکره را و هم جسد قومندان مقتول را به طور سالم برای شان بر گرداند و در جواب شان گفت : **ما پول مرده نمی خوریم.**

صحابه کرام هم به پیروی از ارشادات پیامبر صلی الله علیه وسلم در همه امور جهادی همیشه در تعلیمات خود به سربازان مسلمان این دستور را تکرار و آنان را از عمل مُثْلَه حتی از عملیه مثله بالای سگ و حیوانات منع می نمودند .

واقعاً مسلمانان این چنین تربیت شده اند و در هر جنگی تعلیمات پیامبر خویش را کاملاً مدّ نظر داشته و به آنها عمل می کنند .

یکی از بارزترین نشانه های اخلاقی سرباز اسلام این است که به هیچ کس ظلم روا نمی دارد. اعضای بدن دشمنانش را مُثْلَه نمی کند و به جز آنانی که در برابرش قد علم کرده اند به دیگران کاری ندارد. درختان را قطع نمی کند و خانه ها را فرو نمی ریزد و به زنان و کودکان اذیت و آزاری نمی رساند.

علماء و مفسران بدین باور و عقیده اند: در حکم منع و حرام بودن مُثْلَه فرقی نیست بین این که در جنگ باشد یا غیر آن ، قبل از مرگ باشد یا بعد از آن و بین ای نکه دشمنان مسلمانها را مثله کنند یا نکنند، اگر چه اطلاق آیت شریفه « وَ الْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ » جواز مقابله به مثل را می رساند، لیکن اطلاق روایات و فتاوا مقتضی عدم جواز است .

کُشتن اسیر:

در شرع اسلام در صورت ارتباط جرم که اسیر دشمن جزای کشتن دریافت می کند این امر زمانی ممکن است و زمانی شرعی است که از جانب محکمه حاکمیت اسلامی صورت تعیین شده جرمش ثابت و محکوم گردیده باشد. در غیر آن کشتن اسیر جواز ندارد و حرام می باشد. فرق نمی کند اسیر در حال جنگ دستگیر شده باشد یا بعد از پایان جنگ گرفتار شود. حتی اگر شخصی اسیری را به پشت جبهه منتقل می کند و اسیر از راه رفتن بازماند، نمی تواند او را بکشد، چون حکم محکمه شرعی در باره وی وجود ندارد.

در یکی از احادیث آمده است:

« إِذَا أَخَذْتَ أَسِيرًا فَعَجَزَ عَنِ الْمَشْيِ وَ لَيْسَ مَعَكَ مَحْمِلٌ فَأَرْسِلْهُ وَ لَا تَقْتُلْهُ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا حُكْمُ الْقَضَا فِيهِ » اگر اسیری گرفتی و او از راه رفتن عاجز شد و وسیله ای نداشتی که او را حمل کنی ، پس او را رها کن و نکش ، چون نمی دانی که حکم محکمه در مورد چطور است .

رفتار اخلاقی و عاطفی پیامبر رحمت در جنگ با دشمنان کینه توز بسیار عجیب است از جمله این که در جنگ حنین نه فقط اکثریت را بخشید و اموال و اسیرانشان را برگرداند بلکه مالک بن عوف رهبر هوازن را نیز عفو کرد و صد اشتر به او داد و بعد از این که مالک اسلام آورد پیامبر او را به رهبری مسلمانان هوازن و بنی سعد که به نوشته ابی هاشم شش هزار نفر بودند، گمارد و بنی سعد را بخشید.

گناه کمک به اعمال انتحاری و خود کشی:

در این بحث می خواهم همانطوری که قتل نفس و به راه انداختن اعمال انتحاری « استشهادی » علیه انسانهای بیگناه گناه کبیره بوده همین طور پناه دادن و مساعدت کردن به شخصی انتحاری که برای قتل انسانهای بیگناه مشغول است ، گناه کبیره بوده و باید مسلمانان جداً از آن خود داری نمایند، تذکر مختصری بدهم: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است :

« لو أن رجلاً قتل بالمشرك ، وآخر رضی به بالمشرك کان کمن قتلته و شرک فی دمه » (هر گاه مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری که در مغرب زندگی می کند به آن قتل راضی باشد ، مانند قاتل است و در خون مقتول شریک است).

همچنان در حدیث دیگری آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی از مردم پرسید : « این مرد را چه کسی کشته است ؟ » مردم گفتند : ای رسول الله ، ما اطلاع نداریم ! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :

آیا رواست که کشته های از مسلمین در میان مردم باشد و آنها ندانند چه کسی او را کشته است ؟ قسم به ذات -- پروردگار که مرا به حق به پیامبری فرستاده ، اگر اهل آسمانها و زمین در ریختن خون مسلمانی شرکت داشته یا به آن راضی باشد ، همه را خداوند در آتش دوزخ سرنگون خواهند ساخت .

والله اعلم بالصواب. پایان

نام نوشته:

خودکشی - انتحاری - استشهادی

Name of the Article: Suicide – Intehari - Isteshhadee

By: Aminuddin Saidi & Dr. Salahuddin Sayedi

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی – سعید افغانی »